

بررسی نگرش و رفتار مسوولانه دانشجویان نسبت به محیط‌زیست (مطالعه موردی: دانشجویان استان مازندران)

صادق صالحی*^۱، کریم سلیمانی^۲، زهرا یازوکی نژاد^۳

^۱ استادیار جامعه‌شناسی محیط‌زیست، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه مازندران

^۲ استاد سنجش از راه دور، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری

^۳ کارشناس ارشد رشته مطالعات جوانان، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه مازندران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۰۷/۲۹؛ تاریخ تصویب: ۱۳۹۴/۰۴/۰۱)

چکیده

شناسایی و تبیین نگرش دانشجویان نسبت به محیط‌زیست به عنوان قشر آگاه و تاثیر گذار جامعه، گامی اساسی و مهم در سیاست‌گذاری و تربیت نسلی آگاه به محیط‌زیست و مخاطرات آن و نحوه‌ی مقابله با آن و پذیرش و تعدیل سیاست‌های محیط‌زیست می‌باشد. پژوهش حاضر، با هدف سنجش نگرش و رفتارهای محیط‌زیستی دانشجویان مراکز آموزش عالی استان مازندران صورت گرفت. برای انجام تحقیق، از روش پیمایش استفاده شده است. جامعه آماری تحقیق حاضر را دانشجویان دانشگاه‌های استان مازندران (دانشگاه مازندران، صنعتی نوشیروانی بابل، دانشگاه علوم کشاورزی ساری، دانشگاه دامپزشکی آمل و دانشگاه علوم پزشکی بابل) تشکیل می‌دهند که با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تعداد ۸۱۶ نفر از آنها به عنوان نمونه مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که نگرش و رفتار محیط‌زیستی دانشجویان در سطح به نسبت پایینی قرار دارد. علاوه بر این، نتایج آزمون همبستگی نشان داد که بین نگرش و رفتار محیط‌زیستی رابطه مثبت وجود دارد. یافته‌ها حاکی از آن است که نگرش و رفتار محیط‌زیستی بر حسب جنسیت با هم متفاوت است. در نهایت، نتایج تحقیق نشان می‌دهد در حالی که، متغیر نگرش محیط‌زیستی بر حسب محل سکونت و دانشکده یکسان است، اما در مقابل، متغیر رفتار محیط‌زیستی بر حسب محل سکونت و دانشکده متفاوت می‌باشد.

کلید واژه‌ها: محیط‌زیست، نگرش محیط‌زیستی، رفتار محیط‌زیستی، پارادایم نوین محیط‌زیستی، مراکز آموزش عالی، استان مازندران

سرآغاز

نقش عوامل انسانی برای مقابله با مشکلات محیط‌زیستی و نیز یافتن راه‌حل‌های مناسب امروزه بیش از پیش مورد توجه صاحب‌نظران و اندیشمندان قرار گرفته است (Shivakumar & Vamadevapp, 2011). یکی از راه‌کارهای مطلوب برای فایق آمدن بر چالش‌های محیط‌زیستی، تربیت و آموزش نیروی انسانی دانش‌آموخته با نگرش محیط‌زیستی مطلوب و پایدار است. در همین راستا و بر اساس راهنمای بیست و یکم کنفرانس توسعه و محیط‌زیست که در سال ۱۹۹۲ در ریودوژانیروی برزیل برگزار شد، دانشگاه‌ها مکلف شده‌اند تا به طور ریشه‌ای و اساسی در جهت مسوولیت‌پذیری و مشارکت عمومی در برنامه‌های توسعه‌ای همگون و سازگار با محیط‌زیست، تغییر یابند. افزون بر این، از دانشگاه‌ها خواسته شد تا نقش مهمی در آماده‌سازی جامعه برای تحلیل مباحث و دغدغه‌های محیط‌زیستی داشته باشند (احمدوند و نوری‌پور، ۱۳۸۹). به دو دلیل لازم است تا دانشجویان از مباحث و مشکلات محیط‌زیستی آگاهی و شناخت داشته باشند: اول، آنها به تدریج، پایگاه‌هایی را در جامعه به دست خواهند آورد که مستقیم یا غیرمستقیم می‌تواند پیامدهایی برای محیط‌زیست داشته باشد، مانند معلم، وکیل، سیاست‌گذار، محقق و ... دوم، آنها نیز باید سهم خود را برای محیط‌زیست جهانی ادا کنند. به عبارتی، رفتار و نگرش فردی‌شان نسبت به طبیعت و محیط‌زیست در راستای حفاظت از محیط‌زیست و توسعه پایدار باشد (Nath, 2011). با وجود این، نبود سیاست محیط‌زیستی پایدار در نظام آموزش عالی، ممکن است ترویج نگرش وسیع دانشجویان نسبت به مسایل و مباحث محیط‌زیستی را مشکل سازد و هم‌چنین مدل اجتماعی را که ما خود را با آن وفق می‌دهیم را برهم زند (Carvalh Maffia et al., 2011). با توجه به این که شناسایی و تبیین نگرش دانشجویان نسبت به محیط‌زیست به‌عنوان قشر آگاه به مسایل روز، به تربیت نسلی آگاه به محیط‌زیست و مخاطرات آن و نحوه‌ی مقابله با آن و پذیرش و تعدیل سیاست‌های محیط‌زیستی، کمک شایانی خواهد کرد. پژوهش حاضر، درصدد پاسخگویی به پرسش‌هایی مانند: نگرش دانشجویان نسبت به محیط‌زیست چگونه است؟ رفتارهای محیط‌زیستی‌شان تا چه اندازه مسوولانه است و در نهایت، چه عوامل اجتماعی بر نگرش و رفتارهای محیط‌زیستی‌شان تاثیرگذار است؟

مطالعات در حوزه آگاهی و رفتارهای محیط‌زیستی نشان داده است که مساله آگاهی نسبت به محیط‌زیست تا حدودی موضوعی وابسته به جنسیت است. به عبارتی، نگرش زنان نسبت به محیط‌زیست به دلیل پیوند نزدیکی که بین زنان و طبیعت ممکن است وجود داشته باشد، با نگرش مردان، متفاوت است. (احمدوند و نوری‌پور، ۱۳۸۹) به تحلیل جنسیتی نگرش محیط‌زیستی دانشجویان رشته کشاورزی دانشگاه یاسوج پرداختند. یافته‌های این محققان نشان داد: به طور کلی دانشجویان بدون در نظر گرفتن متغیر جنسیت، دارای نگرش‌های محیط‌زیستی مثبت و متوسطی می‌باشند. این درحالی است که تماس با منابع اطلاعاتی محیط‌زیستی در آنها پایین بوده‌است. افزون بر این، تفاوت معنی‌داری در نگرش‌های محیط‌زیستی دانشجویان دختر و پسر بین سال اول و چهارم دیده نشد. مدل رگرسیونی که تحقیق مذکور از آن بهره گرفت نیز مشخص نمود که متغیرهای جنسیت، سال دانشگاهی، تعداد واحد گذرانده و رفاه اجتماعی به عنوان متغیرهای پر اهمیت در پیش‌بینی نگرش محیط‌زیستی دانشجویان موثر بودند. هم‌چنین، در خصوص ارزیابی میزان دانش و شناخت محیط‌زیستی در بین گروه‌ها یا دانشکده‌هایی که نزدیکی بیشتری با مسایل محیط‌زیستی یا از آن فاصله داشتند نیز تحقیقاتی صورت گرفت. برای مثال (فردوسی و همکاران، ۱۳۸۶)، رابطه بین دانش محیط‌زیستی و رفتارهای حفاظت از محیط، ۲۴۲ دانشجوی رشته‌های بهداشت محیط، جغرافیای طبیعی، روان‌شناسی و تاریخ دانشگاه شهید بهشتی را مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد: دانشجویانی که واحدهایی در زمینه محیط‌زیست گذرانده‌اند (یعنی بهداشت محیط و جغرافیای طبیعی)، رفتارهای مسوولانه بیشتری در مقایسه با دانشجویانی که واحدهایی در این زمینه نگذرانده‌اند (یعنی روان‌شناسی و تاریخ) داشتند. (صالحی و همکاران، ۱۳۹۰)، به تحلیل کیفی میزان شناخت دانشجویان مراکز آموزش عالی دولتی استان مازندران از پدیده‌ی تغییر آب و هوا، پرداختند. نتایج تحقیق نشان داد که شناخت پایه دانشجویان از پدیده‌ی تغییر آب و هوا، پایین و با تصورات غلط همراه بوده است. با وجود این، رشته‌های تحصیلی که به نحوی ارتباط نزدیکی با این پدیده داشتند (رشته‌های وابسته به علوم کشاورزی و منابع طبیعی، گروه آموزشی شیمی، مهندسی برق) درک نسبی از این پدیده داشتند. (Carvalho Maffia et al., 2011)

همبستگی میان نگرش و رفتارهای آگاهانه، افزایش می یابد. (Muderrisoglu & Altanlar, 2011) با آزمون طیف پارادایم اکولوژیکی بین ۵۰۷ دانشجو در ترکیه دریافت که دانشکده، محل سکونت و جنسیت در نگرش و رفتارهای مسوولانه محیطزیستی تاثیر دارند. (Aydin & Cepni, 2010)، نگرش ۹۳۱ نفر از دانشجویان دانشگاه کارابوک ترکیه را نسبت به مسایل محیطزیستی را مورد بررسی قرار دادند و از طیف نگرش مسایل محیطزیستی برای سنجش استفاده کردند. براساس نتایج به دست آمده، دانشجویان نسبت به محیطزیست نگرش مثبت داشتند و نگرش آنها به مسایل محیطزیستی متاثر از جنسیت و رشته تحصیلی متفاوت بود و بین دانشجویان از جهت سالهای آموزشی تفاوتی وجود نداشت.

نظریه‌ها و دیدگاه‌های متعددی در زمینه مطالعه رابطه بین جامعه و محیطزیست وجود دارد، اما تحقیق حاضر بر یکی از نظریه‌های معاصر جامعه‌شناسی محیطزیست (پارادایم نوین محیطزیستی) تمرکز دارد. پارادایم نوین محیطزیستی مقیاسی برای سنجش نگرش محیطزیستی است که در حوزه‌های آموزش محیطزیستی که تفاوت‌های موجود در رفتار یا نگرش به وسیله‌ی ارزش‌های مبتنی بر آن یا جهان‌بینی، تبیین می‌شود، مورد استفاده قرار می‌گیرد. این پارادایم بیش از نیم قرن است که در ایالات متحده و در بسیاری از کشورهای دیگر برای ارزیابی رابطه بین جهان‌بینی‌های محیطزیستی نسبت به نگرش‌های مرتبط با سیاست عمومی، الگوهای مشارکت خلاق و رفتارهای محیطزیستی مورد استفاده قرار دارد. همچنین، برای سنجش تاثیر اجرای برنامه‌های آموزش محیطزیستی بر جهان‌بینی‌های محیطزیستی به کار گرفته می‌شود و به احتمال قوی، پرکاربردترین مقیاس سنجش ارزش‌ها، نگرش‌ها و جهان‌بینی‌های محیطزیستی بوده است (Anderson, 2012). از اواخر دهه ۱۹۶۰، متفکران رادیکال اقتصادی، اقدام به طرح راه حل‌های نظری برای بحران محیطزیستی در حال رشد در آمریکا و دیگر نقاط جهان نمودند. بسیاری از صاحب‌نظران، با بررسی دقیق سیستم‌های تولید صنعتی و با دیدی انتقادی نتیجه گرفتند که رشد نامحدود اقتصادی که بیشتر مدل‌ها تصورش را دارند، از نظر اکولوژیکی ناممکن است (Peraje, 1977). تا پیش از این دوران، جهان‌بینی مسلط غربی، مردم را جدا از سایر موجودات و ارباب تقدیر خود می‌دید. به نظر دیکنز، پایه مباحث این دوران بر

تحقیق‌شان دریافتند دانشجویانی که رابطه نزدیکی با علوم طبیعی داشتند نسبت به دانشجویان علوم انسانی و ریاضی شناخت بهتری نسبت به مسایل محیطزیستی در سطح محلی و جهانی داشتند. (Aminrad et al., 2010)، به بررسی میزان آگاهی محیطزیستی و نگرش دانشجویان ایرانی شاغل به تحصیل در دانشگاه‌های مالزی پرداختند. نتایج تحقیق آنان حاکی از آگاهی متوسط دانشجویان بود، درحالی‌که نگرش محیطزیستی‌شان بالا بود. همچنین، در این بررسی مشخص شد که تفاوت معنی‌داری میان دانشجویان دختر یا پسر وجود نداشته است، درحالی‌که نتایج آگاهی محیطزیستی موکد آن بود که تفاوت معنی‌داری در میان سطوح مختلف آموزشی وجود دارد. این روند با روند مشاهده شده برای وضعیت نگرش محیطزیستی مشهود بود. تحلیل گروه‌های سنی نیز نشان‌دهنده وجود تفاوت در آگاهی و نگرش محیطزیستی بود. همچنین، نتایج تحقیق نشان داد که رسانه‌ها تاثیر مثبتی بر سطح آگاهی و نگرش محیطزیستی بین دانشجویان دارند. (He et al., 2011)، با بیان تشدید مسایل محیطزیستی در کشور چین، به بررسی میزان دانش، نگرش و رفتارهای محیطزیستی جوانان چینی (سنین ۱۶ تا ۲۰ سال) پرداختند. آنها با در نظر گرفتن سطوح متناقض توسعه اقتصاد منطقه‌ای و مشکلات محیطزیستی در مناطق شرقی و غربی چین، تاثیر ناهمسانی‌های محیطزیستی را بر آگاهی محیطزیستی دانشجویان بررسی کردند. دانشجویان حاضر در نمونه با آن‌که دانش محیطزیستی محدودی داشتند، اما، نگرش‌شان نسبت به محیطزیستی مثبت بود. با وجود آموزش محیطزیستی نهادینه، آگاهی محیطزیستی دانشجویان از مناطق توسعه‌یافته بالاتر از هم‌تایان‌شان در مناطق کمتر توسعه یافته بود. علاوه بر این، تحقیقاتی نیز وجود دارند که به ارزیابی نگرش محیطزیستی دانشجویان و تعیین سازه‌های موثر بر این نگرش پرداختند. از جمله (Schmidt, 2007)، نقش آموزش محیطزیستی را بر نگرش و رفتارهای محیطزیستی دانشجویان با روش آزمایش مورد بررسی قرار داد. نتایج نشان داد: دانشجویانی که در آن دوره آموزشی شرکت نداشتند (گروه کنترل) نمرات معنی‌دار متفاوتی در پارادایم نوین محیطزیستی و رفتارهای محیطزیستی با دانشجویان گروه آزمایش کسب کردند. بر اساس نتایج به دست آمده، آموزش محیطزیستی در افزایش نگرش و رفتارهای محیطزیستی مثبت نقش دارد و با شرکت در دوره آموزشی،

(Dunlap & Van Lire, 1978)، به منظور تمایز این دیدگاه جدید که اختلاف‌های اساسی با پارادایم اجتماعی غالب دارد، آن را پارادایم نوین محیط‌زیستی نامیدند. وجود پارادایم نوین محیط‌زیستی سبب شکل‌گیری نگرش مثبت افراد به سمت رفتارهای حامی محیط‌زیست می‌شود. علت دیگر برای نام‌گذاری این رویکرد به رویکرد نوین محیط‌زیستی، آن است که دانلاپ و همکارش با مقایسه این رویکرد جدید با رویکرد قبلی که طی سال‌های بسیار طولانی در جامعه آمریکایی و غربی مسلط بود، این رویکرد جدید را پارادایم نوین محیط‌زیستی نامیدند. از زمان ابداع این پارادایم تاکنون، کمتر از نیم قرن سپری شده ولی تاکنون هیچ رویکرد جایگزینی برای آن پیدا نشده و بنابراین، هنوز هم تحت عنوان پارادایم نوین محیط‌زیستی معروف است. در حقیقت، می‌توان انتظار داشت که با پیدایش احتمالی پارادایم نوین دیگر، پارادایم مورد نظر دانلاپ دیگر جدید نبوده و جای خود را به پارادایم نوینی خواهد داد که در مقایسه با همتایان حاضر نوین خواهد بود. در حال حاضر، علایمی از ظهور چنین پارادایمی مشاهده نمی‌شود و لذا ادعای دانلاپ مبنی بر نو بودن پارادایم هنوز به قوت خود باقی است (Salehi, 2010).

مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر، به روش پیمایش انجام شده است و گردآوری اطلاعات آن با استفاده از پرسشنامه صورت پذیرفت. با توجه به این که موضوع اصلی پیرامون نگرش دانشجویان می‌باشد. بنابراین، واحد تحلیل در تحقیق حاضر فرد پاسخگو (دانشجویان) بوده و سطح تحلیل در این مطالعه، خرد می‌باشد. جامعه آماری تحقیق حاضر شامل کلیه دانشجویان حاضر در مراکز آموزش عالی استان مازندران (دانشگاه مازندران در بابلسر، دانشگاه صنعتی نوشیروانی در بابل، دانشگاه علوم کشاورزی در ساری، دانشگاه علوم پزشکی در بابل و دانشگاه دامپزشکی آمل) ۱۱۰۰۰ نفر بودند که در سال تحصیلی ۹۱ - ۹۰ مشغول به تحصیل بودند. با توجه به گستردگی جامعه آماری، با استفاده از فرمول منطقی کوکران و روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب، ۸۸۰ دانشجو به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. پس از گردآوری داده‌ها و حذف پرسشنامه‌های بی‌پاسخ و دارای اریب پاسخ‌گویی، این تعداد به ۸۱۶ نفر تقلیل پیدا کرد. داده‌ها پس از جمع‌آوری، ویرایش و پردازش نهایی توسط نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل شد. جهت سنجش اعتبار پرسشنامه از اعتبار صوری استفاده شد.

اساس تصورات غیراکولوژیکی بنا شده است (Dickens, 1992). در واقع، انسان‌های مدرن با این ایده بزرگ شده بودند که بشر از قوانین حاکم بر سایر موجودات مستثنی است. این نوع نگرش که معافیت بشر نام گرفت (Catton & Dunlap, 1978) آن جا گسترش یافت که صنعتی‌شدن، انسان‌ها را به پرواز بر فراز زمین و سفر به اقیانوس‌ها قادر ساخت و اینکه بر تمام محدودیت‌هایی که به ظاهر به علت طبیعت‌شان بر آنها تحمیل شده بود، فایق آمدند (Sutton, 2007; Arcury et al., 1990). معتقدند که گزاره اصلی این چارچوب این است که هر جامعه ای یک پارادایم اجتماعی غالب دارد که بر اساس تجربه بنا شده و در ارزش‌ها تجلی می‌یابد و به رفتار واقعی مرتبط است. مشخصه پارادایم اجتماعی غالب که طی قرن‌های متمادی در جامعه غربی رشد یافته‌است، پارادایم «معافیت بشر» است. در این پارادایم، انسان‌ها معاف از قوانین طبیعت در نظر گرفته می‌شوند و در واقع، بر جهان طبیعی حکم می‌رانند. رشد نامحدود انسان و اقتصاد پذیرفته شده است. با توجه به تاریخ توسعه‌طلبی، پیشرفت تکنولوژیکی و بالا رفتن استانداردهای زندگی در جامعه غربی طی این دوره، می‌توان علت رشد این جهان‌بینی را درک کرد. (Catton & Dunlap, 1978). معتقدند که پارادایم «معافیت بشر» چنان نافذ و فراگیر بود که بر روند تحقیق و تیوری اجتماعی تاثیر گذاشته و همین امر سبب شده است تا تاثیر محیط‌طبیعی بر رفتار انسان و سازمان اجتماعی تا همین اواخر مورد غفلت جامعه شناسان واقع شود.

(Dunlap & Van Lire, 1978)، با وجودچیرگی یک پارادایم اجتماعی ضد اکولوژیکی غالب در جامعه آمریکا، از دهه ۱۹۶۰، افکاری ظهور کردند که این پارادایم اجتماعی غالب را به چالش می‌کشیدند. (Lain, 2004)، معتقد است که اخلاق جدید، موجی را در جریان اصلی تفکر محیط‌زیستی به راه انداخت و به صورت یک پارادایم محیط‌زیستی جدید جا افتاد که محدودیت‌های رشد را تشخیص می‌داد و بر اهمیت تعادل طبیعت اذعان داشت. دانلاپ و ون لایر، معتقدند که در این دوره، مباحث عمومی در مورد اجتناب‌ناپذیری «محدودیت رشد»، لزوم رسیدن به یک اقتصاد پایا، اهمیت «حفظ تعادل طبیعت» و نیاز به رد این ایده انسان محورانه که طبیعت تنها برای استفاده انسان‌ها وجود دارد، مطرح شد. به نظر آنها، چنین ایده‌ای در کنار هم یک جهان‌بینی را تشکیل می‌دهند که به طور چشم‌گیری با جهان‌بینی حاصل از پارادایم مسلط اجتماعی جامعه آمریکایی متفاوت است.

اجتماعی بر حسب شرایط و ضرورت‌های خاص اجتماعی و فرهنگی، برخورد متفاوتی نسبت به محیطزیست دارند. این برخوردها و رفتارها ممکن است کاملاً منفی و بر ضد محیطزیست و یا برعکس کاملاً مثبت و موافق محیطزیست باشد (امام‌قلی، ۱۳۸۹). در این بررسی، رفتارهای محیطزیستی در سه بعد مصرف، فعالیت و بازیافت طبقه‌بندی و برای هر بعد، پرسش‌هایی در نظر گرفته شد.

یافته‌ها

- مشخصات کلی پاسخگویان

- از مجموع ۸۱۶ نفر دانشجو، ۳۲۲ نفر (۴۰ درصد) مرد و ۴۷۷ نفر (تقریباً ۶۰ درصد) زن بودند.
- بیشترین تعداد پاسخگویان از گروه‌های آموزشی منابع طبیعی، ۵۰ نفر (۷/۶ درصد)، علوم زراعی ۴۸ نفر (۷/۳ درصد) بود.
- بیشترین تعداد دانشجویان متعلق به دانشکده‌های علوم کشاورزی ۹۴ نفر (۱۳/۴ درصد)، مهندسی عمران ۷۸ نفر (۱۰ درصد)، علوم انسانی و اجتماعی ۷۴ نفر (۹/۵ درصد) و علوم اقتصادی و اداری ۶۸ نفر (۸/۷ درصد) بود.
- بیشترین تعداد دانشجویان در ترم دوم، ۱۷۸ نفر (۲۸/۱ درصد)، مشغول به تحصیل بودند.
- از مجموع ۸۱۶ نفر از دانشجویان، ۶۲۵ نفر (۸۱/۵ درصد) دانشجویان ساکن شهر و ۱۴۷ نفر (۱۸/۵ درصد) ساکن روستا بودند.

نتایج توصیفی

اکثر دانشجویان در رفتارهای مصرفی خود، تا حد بسیار پایینی، معیارهای محیطزیستی را مورد توجه قرار دادند (میانگین از کل ۲/۶۸). در بررسی حاضر، بالاترین رتبه (۱۷/۶ درصد) به خواندن برجسب محصولات جهت اطمینان حاصل کردن از سلامت محیطزیستی آن‌ها و بعد استفاده از حمل و نقل عمومی و کمترین درصد مشارکت در تغییر روند مصرف محصولات برای حفظ محیطزیست مربوط بود. این نشان می‌دهد: باید سطح آگاهی محیطزیستی دانشجویان را افزایش داد. هم‌چنین، میزان مشارکت دانشجویان در فعالیتهای نهادی محیطزیستی، پایین بود. به طوری که بیشترین سهم آنها برای حفظ محیطزیست رأی دادن به افرادی است که مسایل محیطزیستی را در سیاست‌های اجرایی ملاک قرار می‌دادند (۱۲/۹ درصد) و کمترین میزان

این اعتبار مبتنی بر داوری و قضاوت متخصصان است. برای به دست آوردن میزان روایی از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که نتایج آن در جدول (۱)، منعکس شده است.

جدول (۱): تعداد گویه‌ها و آلفای کرونباخ متغیرهای مستقل و وابسته

متغیرها	تعداد گویه‌ها	ضریب روایی (آلفا کرونباخ)
رفتارهای محیطزیستی مسوولانه	۲۴	۰/۵۷
نگرش محیطزیستی	۱۲	۰/۵۰

فرضیه‌های تحقیق

فرضیه اصلی تحقیق این است که بین پارادایم یا نگرش نوین محیطزیستی و رفتار محیطزیستی رابطه وجود دارد. با توجه به پیشینه تحقیق می‌توان چندین فرضیه فرعی نیز طرح کرد که به شرح زیر است:

- بین جنسیت و نگرش و رفتارهای محیطزیستی رابطه مثبت وجود دارد.
- بین دانشکده محل تحصیل و نگرش و رفتارهای محیطزیستی رابطه معنی‌دار وجود دارد.
- بین گروه‌های آموزشی دانشجویان و نگرش و رفتارهای محیطزیستی رابطه معنی‌دار وجود دارد.
- بین محل سکونت دانشجویان و نگرش و رفتارهای محیطزیستی رابطه وجود دارد.

تعریف مفاهیم

پارادایم نوین محیطزیستی: مقصود از پارادایم یا نگرش نوین محیطزیستی، نوعی نگرش نسبت به محیطزیست می باشد که بر اساس آن فرد معتقد است: انسان بر طبیعت غلبه ندارد؛ بین انسان و طبیعت باید تعادل وجود داشته باشد؛ هم‌چنین برای رشد و توسعه اقتصادی محدودیت وجود دارد (Dunlap & Van Lier, 1978). برای سنجش و اندازه‌گیری این مفهوم از ۱۲ پرسش که برای سنجش جهان‌بینی محیطزیستی افراد طراحی شده، استفاده شده است.

رفتارهای محیطزیستی مسوولانه: رفتارهای محیطزیستی مجموعه‌ای از کنش‌های افراد جامعه نسبت به محیطزیست است که طیف وسیعی از احساسات، تمایلات و آمادگی‌های خاص برای رفتار نسبت به محیطزیست را شامل می شود. افراد هر

نتایج تحلیلی

پیش از آزمون فرضیه‌ها، رعایت برخی از پیش‌فرض‌ها مانند نوع توزیع (نرمال یا غیرنرمال)، مقیاس داده‌ها (اسمی، ترتیبی، فاصله‌ای یا نسبی)، تعداد گروه‌ها، استقلال گروه‌ها و تعداد متغیرها لازم است (امام‌قلی، ۱۳۸۹). بنابراین، قبل از آزمون فرضیه‌ها لازم است که نرمال بودن متغیر وابسته (نگرش دانشجویان به محیط‌زیست) آزمون شود. مقدار آزمون کالماگروف سمینروف، $1/67$ و سطح معنی‌داری برای این متغیر برابر با $0/007$ است. چون مقدار سطح معنی‌داری به دست آمده، کمتر از $0/05$ است، پس، توزیع مشاهده شده با توزیع مورد انتظار یکسان نیست. بنابراین، برای آزمون فرضیه‌ها باید از آزمون‌های ناپارامتری بهره گرفته شود.

- بررسی رابطه میان نگرش محیط‌زیستی و رفتارهای محیط‌زیستی

جدول (۲): شاخص آماری ضریب همبستگی اسپیرمن

متغیر مستقل	نام آزمون	مقدار آزمون	سطح معنی‌داری
پارادایم نوین محیط‌زیستی	ضریب همبستگی اسپیرمن	$0/074$	$0/037^{**}$

** آزمون در سطح $0/05$ معنادار است.

حامل دانش منحصر به فردی از محیط‌طبیعی برای آنهاست. چنانچه این درست باشد، در آن صورت باید انتظار داشته باشیم که زنان نسبت به مردان در محیط‌زیست‌گرایی، نقش برجسته‌تری را ایفا کنند (Sutton, 2007).

نتیجه حاصل از آزمون جدول (۴)، نشان می‌دهد بین رفتارهای محیط‌زیستی و ابعاد سه‌گانه‌ی آن بر حسب جنسیت، تفاوت معناداری وجود دارد. بر اساس رتبه میانگین، دانشجویان پسر نسبت به دانشجویان دختر، رتبه بالاتری را در رفتارهای محیط‌زیستی و ابعاد آن کسب کرده بودند.

سطح معنی‌داری که در جدول (۵) آمده است، برای محل سکونت و نگرش محیط‌زیستی نیز تفاوتی را میان این دو متغیر نشان نمی‌دهد. به عبارتی ساکن شهر یا روستا بودن در جهان‌بینی مثبت داشتن نسبت به محیط‌زیست، تاثیری ندارد.

مشارکت آنها در فعالیت‌های نهادی محیط‌زیستی به انعکاس نظرها و پیشنهادهای مسوولین بر می‌گشت ($3/6$ درصد). یافته‌ها نشان داد که دانشجویان چندان مشارکتی در بازیافت زباله‌های خشک نداشتند (میانگین از کل = $2/32$). بیشترین سهم مشارکت‌شان نیز به تفکیک قوطی و شیشه‌های قابل بازیافت بر می‌گشت ($12/5$ درصد). با توجه به این که عمل بازیافت در خانه می‌تواند تا سطح بسیار بالایی در هزینه‌های بازیافت صرفه‌جویی حاصل کند و به حفظ پوشش جنگلی کمک نماید و از تولید مواد آلاینده که به لایه اوزن لطمه وارد می‌کند، جلوگیری به عمل آورد، آشناسازی دانشجویان با این فرایند می‌تواند اثربخش باشد. همچنین، در این بررسی مشخص شد که 50 درصد دانشجویان نسبت به محیط‌زیست، نگرش مثبت دارند.

همان‌طور که در جدول (۲) ملاحظه می‌شود، بین نگرش محیط‌زیستی و رفتارهای محیط‌زیستی، رابطه مستقیم اما ضعیفی وجود دارد. به عبارتی، هرچه افراد نگرش مثبتی به محیط‌زیست پیدا کنند، رفتارهای مسوولانه محیط‌زیستی‌شان نیز افزایش پیدا می‌کند.

- بررسی تفاوت‌ها بین نگرش و رفتار محیط‌زیستی و جنسیت

جدول (۳): تحلیل واریانس نگرش محیط‌زیستی

بر حسب جنسیت

متغیر	من ویتنی	سطح معنی‌داری
نگرش نوین محیط‌زیستی	$6/70$	$0/017^{**}$

** در سطح $0/05$ معنادار است.

بر اساس داده‌های جدول (۳)، بین متغیر اصلی از لحاظ جنسیتی تفاوت وجود دارد. با 99 درصد اطمینان می‌توان گفت که دانشجویان دختر و پسر نگرش متفاوتی نسبت به محیط‌زیست دارند. یکی از عناصر اصلی در خط‌مشی‌های اکوفمنیست، این است که زنان رابطه‌ی خاص و «ضروری» با طبیعت دارند که

جدول (۴): تحلیل واریانس رفتارهای محیطزیستی و ابعاد آن بر حسب جنسیت

متغیر	بالاترین رتبه میانگین		من ویتنی	سطح معنی داری
	مرد	زن		
رفتارهای محیطزیستی	۴۴۹/۶۱	۳۶۷/۲۵	۶/۱۱	*۰/۰۰
بعد مصرف	۴۳۷/۵۹	۳۷۵/۳۹	۶/۵۰	*۰/۰۰
بعد فعالیت	۴۴۵/۳۶	۳۷۰/۱۲	۶/۲۵	*۰/۰۰
بعد بازیافت	۴۴۱/۵۹	۳۷۲/۴۰	۶/۳۷	*۰/۰۰

*در سطح ۰/۰۱ معنادار است .

- بررسی تفاوتها بین نگرش و رفتار محیطزیستی و محل سکونت

جدول (۵): تحلیل واریانس نگرش محیطزیستی بر حسب محل سکونت

متغیر	بالاترین رتبه میانگین		مقدار آزمون من ویتنی	سطح معنی داری
	شهر	روستا		
نگرش محیطزیستی	۳۷۵/۳۰	۳۶۸/۱۸	۴/۰۷	۰/۷۲

جدول (۶): تحلیل واریانس رفتارهای محیطزیستی و ابعاد آن بر حسب محل سکونت

متغیر	بالاترین رتبه میانگین		من ویتنی	سطح معنی داری
	شهر	روستا		
رفتارهای محیطزیستی	۳۶۹/۹۵	۴۲۶/۸۲	۳/۷۱	*۰/۰۰
بعد مصرف	۳۷۲/۹۲	۴۱۳/۳۶	۳/۸۹	**۰/۰۴
بعد فعالیت	۴۲۷/۰۴	۳۶۹/۹۰	۳/۷۰	*۰/۰۰
بعد بازیافت	۴۱۴/۵۰	۳۷۲/۲۵	۳/۸۸	**۰/۰۳

* در سطح ۰/۰۱ معنادار است . ** در سطح ۰/۰۵ معنادار است .

نتایج آزمون در جدول (۶)، نشان می‌دهد که بین محل سکونت و رفتارهای محیطزیستی و ابعاد آن تفاوت معنادار وجود دارد. با اطمینان بالایی می‌توان گفت که دانشجویانی که ساکن روستا هستند، به رفتارهای محیطزیستی به‌ویژه در ابعاد مصرف، فعالیت و بازیافت، اهمیت بیشتری می‌دهند.

- بررسی تفاوتها بین نگرش و رفتار محیطزیستی بر حسب دانشکده

جدول (۷): تحلیل واریانس نگرش محیطزیستی بر حسب دانشکده

متغیر	فراوانی	بالاترین رتبه میانگین	کروسکال والیس	درجه آزادی	سطح معنی داری
نگرش محیطزیستی	۳۹	۳۳۹/۹۳	۱۹/۰۲	۱۴	۰/۱۶
	۵۲	۳۳۱/۵۲			
	۲۴	۳۳۰/۲۷			

سطح معنی داری در جدول (۷)، نشان می‌دهد که بین نگرش محیطزیستی و دانشکده محل تحصیل دانشجویان، رابطه معنادار وجود ندارد. اما، رتبه‌های میانگین حاکی از آن است که دانشجویان شاغل به تحصیل در دانشکده های بهداشت محیط،

دانشکده مهندسی عمران و منابع طبیعی بالاترین رتبه‌ها را کسب کرده‌اند.

جدول (۸): تحلیل واریانس رفتارهای محیط‌زیستی و ابعاد آن بر حسب دانشکده

متغیر	فراوانی	بالاترین رتبه میانگین	کروسکال والیس	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
رفتارهای محیط‌زیستی	۴۹	۳۶۲/۸۲	۶۵۰/۱۷	۱۴	۱۲/۱۰
بعد مصرف	۲۶	۳۸۰/۶۰	۵۱۶/۲۰	۱۴	*۰/۰۱۶
بعد فعالیت	۴۹	۳۶۰/۶۸	۸۳۸/۲	۱۴	۰/۴۳۷
بعد بازیافت	۴۹	۳۴۴/۴۸	۲۲,۳۴	۱۴	۰,۰۷۲

*در سطح ۰/۰۵ معنادار است.

هم‌چنین در ابعاد فعالیت و بازیافت بالاترین رتبه و دانشجویان دانشکده الهیات بالاترین رتبه را در بعد مصرف به خود اختصاص دادند.

بر اساس جدول (۸)، بین رفتارهای محیط‌زیستی و دانشکده تفاوت معنی‌دار وجود ندارد و تنها تفاوت ممکن در بعد مصرف است. اما، رتبه‌های میانگین جالب توجه هستند. به طوری که دانشجویان دانشکده منابع طبیعی در رفتارهای محیط‌زیستی و

- بررسی تفاوت‌ها بین نگرش و رفتار محیط‌زیستی و گروه‌های آموزشی

جدول (۹): تحلیل واریانس نگرش محیط‌زیستی و ابعاد آن بر حسب گروه‌های آموزشی

متغیر	فراوانی	بالاترین رتبه میانگین	کروسکال والیس	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
نگرش محیط‌زیستی	۱۹	۱۸۹/۲۴	۱۶/۱۵	۱۱	۰/۱۳

جدول (۱۰): تحلیل واریانس رفتارهای محیط‌زیستی و ابعاد آن بر حسب گروه‌های آموزشی

متغیر	فراوانی	بالاترین رتبه از میانگین	کروسکال والیس	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
رفتارهای محیط‌زیستی	۲۴	۳۹۱/۸۲	۳۸/۲۲	۱۹	*۰/۰۰
بعد مصرف	۲۵	۴۳۳/۶۳	۴۴/۱۴	۱۹	*۰/۰۰
بعد فعالیت	۵۵	۳۸۵/۹۳	۲۷/۱۰	۱۹	۱/۱۰
بعد بازیافت	۵۵	۳۸۱/۴۴	۲۸/۳۶	۱۹	۰/۰۷

*در سطح ۰/۰۱ معنادار است.

بحث و نتیجه‌گیری

آنچه لازمه تغییر رفتار، توسعه صلاحیت و مشارکت دانشجویان برای حفظ محیط‌زیست است، افزایش دانش، تغییر ارزش‌ها و ارتقای توانمندی است تا شرایط مناسبی برای ایجاد همبستگی و هماهنگی بین دانشجویان و محیط‌زیست فراهم شود (Carvalho Maffia et al., 2011). در این بررسی، سعی شد تا نگرش و رفتارهای محیط‌زیستی دانشجویان و عوامل اجتماعی موثر بر آن مورد بررسی قرار گیرد. بر اساس یافته‌های توصیفی، نگرش دانشجویان نسبت به محیط‌زیست به نسبت بالا بود.

نتیجه آزمون در جدول (۹)، برای نگرش محیط‌زیستی حاکی از عدم وجود تفاوت بین گروه‌های آموزشی است. بر اساس نتایج آزمون جدول (۱۰)، به جز بعد فعالیت و بازیافت، در رفتارهای محیط‌زیستی و بعد مصرف در بین گروه‌های آموزشی تفاوت معنادار وجود دارد. رتبه‌های میانگین نیز نشان می‌دهد که در رفتارهای محیط‌زیستی، دانشجویان علوم قرآنی، در بعد مصرف گروه آموزشی بهداشت محیط، بعد فعالیت گروه آموزشی منابع طبیعی و در بعد بازیافت دانشجویان گروه آموزشی منابع طبیعی، بالاترین رتبه‌ها را کسب کردند.

رفتارهای محیط‌زیستی مسوولانه دانشجویان برای تقلیل آثار تغییر آب و هوا، عدم وجود فرصت‌های حمایت بود. دانشجویان در مصاحبه‌های خود به نبود امکانات و یا وجود امکانات کم برای مشارکت در سیاست‌های کم‌کربن اشاره داشتند. همچنین، بر اساس نظریه عدم توازن شناختی لیون فستینگر، زمانی که نیروهای خارجی که شخص را به انجام عملی مغایر با نگرش‌هایش وادار می‌کند، قوی باشند، عدم توازن بین نگرش و رفتار حداقل است. چنان‌چه آن نیروها ضعیف باشند یا به شیوه‌ای آنها عمل کنند یا او آن را انجام می‌دهد، عدم توازن بزرگ خواهد بود (Norton et al., 2003). برای تغییر نگرش دانشجویان می‌توان از سه طریق بهره گرفت: افزودن باورهای هماهنگ (توجیه)، تغییر نگرش نامتوازن و تغییر رفتار. نگرش دانشجویان بر حسب محل سکونت تفاوتی با هم نداشت، اما از حیث رفتارهای محیط‌زیستی، دانشجویان روستایی نمرات بالاتری را کسب کرده بودند. دانشجویانی که ساکن روستا هستند، به رفتارهای محیط‌زیستی به‌ویژه در ابعاد مصرف، فعالیت و بازیافت، اهمیت بیشتری داده بودند. (صالحی و همکاران، ۱۳۹۰) نیز در تحلیل کیفی خود دریافتند دانشجویان ساکن روستا به دلیل برخورداری از دانش محلی، تغییر آب و هوا را در سطح محلی بهتر درک می‌کردند. بررسی (Muderrisoglu & Altanlar, 2011) نیز این تفاوت را نشان داد. به نظر می‌رسد روستاییان به دلیل پیوستگی زندگی و شغل‌شان با منابع طبیعی روستا، بهتر می‌توانند تغییر در محیط‌زیست را حس کنند. آنها نوعی هم‌زیستی با طبیعت روستا دارند. دانشجویانی که ساکن روستا هستند، می‌توانند یک پل ارتباطی میان شبکه روستا و شبکه علمی باشند. چرا که آنها به‌عنوان یک فرد بومی با تعاریف، اصطلاحات سنتی و بومی که برای کارشناسان فهم‌شان دشوار است، آشنا هستند و می‌توانند به‌عنوان گروه‌های آموزش‌دهنده به کار گرفته شوند.

همچنین، نتایج نشان داد که بین نگرش محیط‌زیستی و دانشکده رابطه معناداری وجود ندارد. با وجود این، دانشجویان دانشکده منابع طبیعی در رفتارهای محیط‌زیستی و همچنین در ابعاد فعالیت و بازیافت بالاترین رتبه و دانشجویان دانشکده الهیات بالاترین رتبه را در بعد مصرف به خود اختصاص دادند. با توجه به این که دانشجویان دانشکده الهیات در نگرش و رفتارهای محیط‌زیستی رتبه‌های بالایی را به خود اختصاص دادند، می‌توان در

بررسی (احمدوند و نوری‌پور، ۱۳۸۹؛ Muderrisoglu & Altanlar, 2011) نیز نشان داد که دانشجویان نگرش مثبت و متوسطی به محیط‌زیست داشتند. همچنین، میزان مشارکت دانشجویان در رفتارهای محیط‌زیستی در حد پایین بود. به‌طوری‌که در فعالیت‌های نهادی و مصرفی کمترین میزان مشارکت و در فعالیت بازیافت، میزان مشارکت، نسبی (در خدمت‌موسط) بود. در بررسی (Muderrisoglu & Altanlar, 2011) در ترکیه، دانشجویان مشارکت نسبی (۵۳ درصد) در مصرف محیط‌زیستی داشتند که بالاترین آن به استفاده از سیستم حمل و نقل عمومی بر می‌گشت. در بررسی (Muderrisoglu & Altanlar, 2011)، میزان مشارکت دانشجویان در بازیافت، ۳۵ درصد و در بررسی (علوی‌مقدم و دلبری، ۱۳۸۸)، سطح مدیریت دانشجویان بر مواد زاید جامد، در حد متوسط (۴۴ درصد) بود. در بررسی (Yildiz et al., 2011) نیز، (۴۸/۷ درصد) پاسخگویان اعلام کرده‌بودند که در تفکیک انواع زباله‌های خشک مشارکت دارند و تنها (۲۶ درصد) روزنامه باطله را نگهداری می‌کردند. در بررسی کیفی نگرش دانشجویان نسبت به تغییرات جهانی آب و هوا که توسط (صالحی و همکاران، ۱۳۹۰) انجام شده بود، میزان اعتماد دانشجویان به فعالیت‌های محیط‌زیستی و سیاست‌های دولت، پایین بود. در واقع، می‌توان گفت که نگرش، ارزش‌ها و مسوولیت‌پذیری افراد در قبال محیط‌زیست، تحت تاثیر طرز تلقی آنها از روابط اعتماد آمیز آن دسته از سازمان‌هایی قرار دارد که مسوولیت رسمی در قبال محیط‌زیست دارند. این نکته، می‌تواند عملکرد ضعیف دانشجویان در فعالیت‌های نهادی محیط‌زیستی را توجیه نماید. بررسی نگرش و رفتارهای محیط‌زیستی دانشجویان بر حسب جنسیت نشان داد که بین دانشجویان دختر و دانشجویان پسر از جهت نگرش و رفتار محیط‌زیستی، تفاوت معنادار وجود دارد. به‌طوری‌که دانشجویان دختر در نگرش نمره بالا اما در رفتار نمره پایین را کسب کرده بودند. این نتیجه با بررسی (Aydin & Cepni, 2010; Muderrisoglu & Altanlar, 2011) هم‌سویی داشت. درحالی‌که در بررسی (احمدوند و نوری‌پور، ۱۳۸۹؛ Aminrad et al., 2010)، تفاوت معنی‌داری در نگرش محیط‌زیستی دانشجویان دختر و پسر وجود نداشت.

برای این که نگرش محیط‌زیستی به رفتار مسوولانه ختم شود، باید در سطح کلان و خرد، اقدام‌هایی صورت گیرد. بر اساس بررسی (صالحی و همکاران، ۱۳۹۰) یکی از علل عدم وجود

پیشنهادها

همان‌طور که ملاحظه شد، نتایج تحقیق حاضر نشان داد که نگرش و رفتارهای محیط‌زیستی دانشجویان در سطح به نسبت پایینی قرار دارد. با توجه به این‌که دست‌یابی به توسعه پایدار و حفاظت از محیط‌زیست مستلزم ارتقای نگرش و رفتارهای محیط‌زیستی است، بنابراین برای دست‌یابی به این مهم لازم است راه‌حلی در پیش گرفته شود تا وضعیت موجود نگرش و رفتارهای محیط‌زیستی بهبود یابد. از جمله این راه‌حل‌ها، افزایش آموزش‌های محیط‌زیستی در نظام آموزش عالی کشور می‌باشد. به عبارت دیگر، لازم است برنامه‌ریزی آموزشی به گونه‌ای تدوین شود تا آشنایی دانشجویان، کارکنان نظام آموزش عالی با توسعه پایدار را تضمین نماید. در این خصوص، (پالمر، ۱۳۹۰) معتقد است برنامه‌ریزی آموزشی موثر و اجرای آن برای یادگیری مطلوب، مستلزم داشتن یک مدل تلفیقی برای سازماندهی آموزش محیط‌زیست است. به نظر او، برنامه آموزش محیط‌زیست، بر پایه سه دسته فعالیت‌ها صورت می‌گیرد: دسته اول، فعالیت‌های مربوط به آموزش درباره محیط‌زیست می‌باشد. دسته دوم، شامل فعالیت‌هایی است که آموزش را از طریق خود محیط‌زیست صورت می‌دهد و دسته سوم شامل فعالیت‌هایی است که آموزش را برای محیط‌زیست انجام می‌رساند. توجه به هر یک از این اجزای اصلی برنامه‌ریزی در هر یک از سطوح آموزشی ضروری است. بدین ترتیب، زمانی‌که آموزش درباره محیط‌زیست صورت می‌پذیرد، کسب آگاهی و شناخت درباره محیط‌زیست نه تنها فراگیران را قادر می‌کند اطلاعاتی درباره‌ی مفاهیم و واقعیت‌ها به دست آورند، بلکه به آنها کمک می‌کند تا با شناختی آگاهانه به ارزیابی انتقادی مسایل و موقعیت‌ها بپردازد. همچنین، در دسته دوم، یعنی آموزش محیط‌زیستی از طریق کار کردن در محیط‌زیست و یا از طریق محیط‌زیست، موجب کسب تجربه دست اول از سوی دانشجویان شده و با پالایش مهارت‌های مورد نیاز برای پژوهش، برقراری ارتباط با محیط‌زیست و مذاکره برای ارتقای فعالیت‌های محیط‌زیستی، در عمل و به واسطه تجربه زیست شده، دانش و آگاهی محیط‌زیستی دانشجویان افزایش خواهد یافت و در نهایت، از بعد سوم، زمانی‌که آموزش برای محیط‌زیست باشد، این‌گونه فراگیری با توسعه گرایش‌ها و ارزش‌ها اعم از عناصر و ایده‌های مربوط به درک انسان و نیز رفتار مورد نیاز برای ایجاد الگوهای زندگی

بررسی‌های بعدی متغیر مذهب را نیز گنجانند (Schmidt, 2007) با بررسی نگرش دانشجویان بومی آمریکای لاتین که در دانشگاه تگزاس ایالات متحده مشغول به تحصیل بودند دریافتند که مذهب از متغیرهای کلیدی در تبیین نگرش محیط‌زیستی است. (فردوسی و همکاران، ۱۳۸۶؛ صالحی و همکاران، ۱۳۹۰؛ Muderrisoglu & Carvalho Maffia et al., 2011; Altanlar, 2011; Aydin & Cepni, 2010) نیز دریافتند که از جهت نگرش و رفتارهای محیط‌زیستی بین دانشکده‌ها تفاوت وجود دارد. این تفاوت در ابعاد نگرش و رفتارهای محیط‌زیستی بر حسب گروه‌های آموزشی محرزتر بود. به طوری که هرچه نگرش و رفتارها به طبیعت و محیط نزدیکی بیشتری پیدا می‌کرد، گروه‌های مرتبط با علوم محیطی، منابع طبیعی، کشاورزی، نمرات بالاتری را در ابعاد نگرش و رفتارهای محیط‌زیستی کسب می‌کردند. (Aydin & Cepni, 2010; Aminrad et al, 2010) نیز دریافتند که بین گروه‌ها و رشته‌های تحصیلی از جهت نگرش رفتارهای محیط‌زیستی تفاوت وجود دارد.

نتایج هم‌چنین نشان داد که بین نگرش و رفتارهای محیط‌زیستی رابطه معنادار وجود دارد، اما این رابطه بسیار ضعیف است. (Muderrisoglu & Altanlar, 2011) نیز دریافت که بین نگرش و رفتارهای محیط‌زیستی مسوولانه رابطه معناداری وجود داشته است. برخی از محققان مانند (صالحی و خوشفر، ۱۳۸۹) استدلال کردند که احراز نمره‌ی بالا در نگرش محیط‌زیستی نشان دهنده‌ی جهت‌گیری زیست بوم‌گرایانه است که قاعده‌تاً باید منجر به باورها و نگرش‌های محیط‌زیستی شود. اگرچه چنین باورهایی ممکن است به نوبه‌ی خود بر رفتار تاثیر بگذارند اما موانع و امکاناتی که در شرایط خاص بر رفتار محیط‌زیستی تاثیر می‌گذارند مانع از این می‌شوند که ما انتظار رابطه قوی بین پارادایم نوین محیط‌زیستی و رفتار را داشته باشیم. (Ojedokun & Balogun, 2010)، معتقداند که برای ایجاد رابطه نیرومند بین نگرش و رفتارهای محیط‌زیستی مسوولانه، نیاز به گرفتن مشاوره از کارشناسان خبره در حوزه نگرش‌های انسانی مانند روان‌شناسان محیط‌زیست، روان‌شناسان اجتماعی و سایر رشته‌های مرتبط است تا بتوان استراتژی‌های تغییر نگرشی را طراحی کرد تا با تقویت عزت‌نفس و درک از خود، رفتارهای محیط‌زیستی مسوولانه را تقویت نمود.

توسعه پایدار هموار نمود (Clark, 2010).

پایدار موجبات ارتقای رفتارهای حفاظت محیط‌زیست را فراهم می‌آورد.

تشکر و قدردانی

از مسوولان محترم دانشگاه‌های مورد بررسی، کارکنان آنها و به ویژه از دانشجویان عزیزی که در مرحله گردآوری داده‌ها همکاری نمودند و نیز از زحمات بسیار ارزنده آقای علی مهدوی تشکر می‌شود.

بدین ترتیب، مشکل وضعیت نامطلوب نگرش و رفتار محیط‌زیستی در بین دانشجویان را می‌توان با اتخاذ سیاست آموزشی متناسب در جهت حفظ و ارتقای محیط‌زیست تدوین نمود و با همکاری بین رشته‌ای، زمینه‌های ارتقاء نگرش و رفتارهای محیط‌زیستی دانشجویان را در راستای دستیابی به

فهرست منابع

- احمدوند، م. و نوری‌پور، م. ۱۳۸۹. نگرش‌های محیط‌زیستی دانشجویان کشاورزی دانشگاه یاسوج: تحلیلی جنسیتی، مجله علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران، شماره ۲، صص: ۱-۱۳.
- امام‌قلی، ل. ۱۳۸۹. بررسی تاثیر سرمایه اجتماعی بر رفتارهای محیط‌زیستی (مطالعه موردی: استان کردستان)، پایان نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه مازندران.
- پالمر، ج. ای. ۱۳۹۰. آموزش محیط‌زیست در قرن بیست و یکم، ترجمه ی علی محمد خورشیددوست، تهران، انتشارات سمت.
- صالحی، ص. و خوشفر، غ. ۱۳۸۹. بررسی نگرش زنان نسبت به بازیافت زباله‌های خانگی: مطالعه موردی شهر بابلسر، معاونت پژوهشی دانشگاه مازندران، گزارش طرح پژوهشی.
- صالحی، ص.؛ سلیمانی، ک. و پازوکی‌نژاد، ز. ۱۳۹۰. تحلیل کیفی نگرش دانشجویان نسبت به تغییرات جهانی آب وهوا، سومین همایش بین‌المللی تغییر اقلیم و گاه‌شناسی درختی، ساری، مازندران.
- فردوسی، س.؛ مرتضوی، ش. و رضوانی، ن. ۱۳۸۶. رابطه بین دانش محیط‌زیستی و رفتارهای محافظت از محیط، پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۵۳، صص: ۲۶۶-۲۵۳.
- علوی مقدم، م. و دلبری، ا. ۱۳۸۸. ارزیابی میزان آگاهی دانشجویان مقطع کارشناسی از موضوع مدیریت مواد زاید جامد در محیط‌زیست، نشریه علمی و پژوهشی فناوری آموزش، شماره ۶، صص: ۳۱۴-۳۰۹.
- Aminrad, Z.; Azizi, M. & Wahab, M. 2010. Environmental Awareness and Attitude among Iranian Students in Malaysian Universities, *Environment Asia*, 10 (3):1-10.
- Anderson, M. 2012. *New Ecological Paradigm*, Berkshire: Berkshire Publication Group.
- Arcury, A. & Christianson, E. H. 1990. Environmental Worldview in-Response to Environmental Problems Kentucky. 1984 and 1988 Compared, *Environment and Behaviour*, 22 (3):387-407.
- Aydin, F. & Cepni, O. 2010. University Students' Attitudes towards Environmental Problems: A Case Study From Turkey, *International Journal of the Physical Sciences*, 5(1): 2715-2720.
- Carvalho Maffia, A. M.; Silvia, E. & Goncalves, L. A. 2011. Environment and Environmental Awareness: How University Students Conceive and Act, *Maringa*, 33(2): 209-214.
- Catton, W. R., & Dunlap, R. E. 1978. Environmental Sociology: A New Paradigm, *American Sociologist*, (13):41-49.
- Clark, S. G. 2010. College and University Environmental Programs as a Policy Problem, *Environmental Management*, 12 (4): 14-20.

- Dickens, P. 1992. *Society and Nature. Towards a Green Social Theory*. Harvester-Wheat sheaf, Hemel Hempstead.
- Dunlap, R. E. & Van Lire, M. 1978. The New Environmental Paradigm: A Proposed Measuring Instrument and Preliminary Results, *Journal of Environmental Education*, 12 (9): 10-19.
- He, E.; Hong, T. & Liu, L. 2011. A Comparative Study of Environmental Knowledge, Attitudes and Behaviors Among University Students in China, *International Research in Geographical and Environmental Education*, 20 (2):91-104.
- Lain, M. 2004. Environmentally Responsible Behaviour: Does It Really Matter What -We Believe? *Planning Forum*, 6, 114-125.
- Muderrisoglu, H. & Altanlar, A. 2011. Attitudes and Behavior of Undergraduate Students Towards Environmental Issues, *International Journal Environment and Science Technology*, 8, (1): 159-168.
- Nath, B. 2011. Instilling Environmental Awareness in Undergraduate University Students, *Environmental Education and Awareness*, 1(1):1-15.
- Norton, M.; Cooper, J.; Monin, B. & Hogg, M. A. 2003. Vicarious Dissonance: Attitude Change the Inconsistency of Others, *Journal of Personality and Social Psychology*, 8 (1): 47-62.
- Ojedokun, A. & Balogun, O. 2010. Environmental Attitude as a Mediator of the Relationship between Self – Concept , Environmental Self – Efficacy and Responsible Environmental Behavior among Residents of high Density Areas in Ibadan Metropolis , Nigeria, *Ethiopian Journal of Environmental Studies and Management*, 3(2): 111-118.
- Peraje, D. 1977. *The Sustainable Society*. New York: Praeger Publishers.
- Salehi, S. 2010. *People and Environment*, London, Limber Academic Publication.
- Schmidt, J. E. 2007. From Intentions to Actions: The Role of Environmental Awareness on College Students, *UW-L Journal of Undergraduate Research*, 3 (5): 1-4.
- Shivakumar, G. S. & Vamadevappa, H. V. 2011. Environmental Attitude among the Secondary School Students, *Indian Streams Research Journal*, 1 (4):1-5.
- Sutton, P. W. 2007. *The Environment: A Sociological Introduction*, Cambridge: Polity Press.
- Yildiz, N.; Yilmaz, H.; Demir, M. & Toy, S. 2011. Effects of Personal Characteristics on Environmental Awareness, *Scientific Research and Essays* 6 (2): 332-340.